

دومین

جشنواره

مطبوعات

نمایش می دادند. قهوه چای از قوری بزرگی که روی اجاق پرآتش نشسته بود، برای مشتریها چای می ریخت و آنها که دمی را فارغ از هست و نیست با چای می گذراندند، پشت سر هم دستور چای می دادند. بخاطر می آوردم در جایی خوانده ام که جنبش های بسیاری از همین قهوه خانه ها پای گرفته و بعد به بیرون کشیده شده است. میعاد ریش سفیدهای محل توی قهوه خانه بود. غروب که می شد بحث و جدل ها بالا می گرفت، تصمیم می گرفتند و جوانترها فردا اجرایش می کردند. شاید اولین روزنامه ها و مجلات نیز از همین قهوه خانه ها پروپا گرفته

به قهوه خانه سنتی که پاتوق دوران دانشجوییمان بود، رسیدم. بر روی صندلی دارای پشتی که در دورتا دور محوطه قهوه خانه چیده شده بود، نشستم. میزهای قهوه خانه با رومیزیهای قلمکار خوش رنگی تزئین شده بود و بر روی آنها در قندانهای زیبا قند قرار گرفته بود. گلیم روبروی درب ورودی، بافتی بسیار ریز داشت و بی اغراق رنگهای طبیعت زیبای کردستان را با خود به قهوه خانه آورده بود. بخشی از دیوار نیز با نقاشی های قهوه خانه ای تزئین شده بودند که صحنه هایی از زندگی روزمره مردم قدیم را

باشند. یعنی یک روز غروب عده‌ای دور هم جمع شده‌اند و دریافتند که برای برپا کردن یک خلاء فرهنگی نیاز به مجله‌ای خاص هست و آنگاه با هم عهد بستند، یا علی گفتند و کبار را شروع کردند و کم کم بربال خیال سوار گشتم و راهی دیار اندیشه شدم...

دومین جشنواره مطبوعات... بازگشتی به تاریخ، پل زدن روی ۱۵۰ سال تلاش خبرنگاران، عکاسان، گزارشگران و ... در ایران بدون وجود جایگاه مناسب و شایسته در جامعه می‌باشد. مطبوعات ایران چه به لحاظ فرم و چه از نظر محتوا، زیر تأثیر عوامل درونی و بیرونی، رشد بسیار کندی دارند. نوشتن برای زندگی کردن است و نه زندگی کردن برای نوشتن. «شبیبه کاری» و «کپی برداری» باعث می‌شود تا این مطالب ناپخته و خام که معمولاً منبع همه آنها نیز فقط یک خبرگزاری می‌باشد، بیش از پیش تکراری و سطحی بنظر آیند. امروزه مردم در هر کجایی که زندگی می‌کنند، تشنه اخبارند. نیاز به اطلاعات صحیح و تازه، از ویژگیهای زندگی انسان معاصر است. هدف مطبوعات، دستیابی به اخبار، اطلاعات و بکارگیری شیوه‌های مناسب برای انتقال سریع آن است اما آیا منابع خبری نیز چنین هدفی را پیش رو دارند؟ «روابط عمومی‌ها» بعنوان مجاری اطلاع رسانی منابع خبری، می‌توانند نقش مهمی در انتشار اخبار ایفا کنند ولی نظر روزنامه‌نگاران در این زمینه تا حدی نشان دهنده عدم همکاری روابط عمومی‌ها در ارائه اخبار و اطلاعات است. اگر بخواهم صریح‌تر

حرف بزنم بایستی گفت که بسیاری از روزنامه‌نگاران اعتماد لازم را به روابط عمومی‌ها ندارند. در مقابل، بسیاری از روابط عمومی‌ها نیز به مطبوعات اعتماد ندارند.

از موانع بزرگ رشد مطبوعات، عدم درک متقابل بین مسئولان و مطبوعات است. نگرش غلط نسبت به مطبوعات و عدم درک متقابل مسئولان و مطبوعات موجب شده است به بتدریج نوعی بی‌اعتنایی و یا حتی، احساس مصونیت در مسئولان نسبت به مطالب درست و به حق مطبوعات بوجود آید.

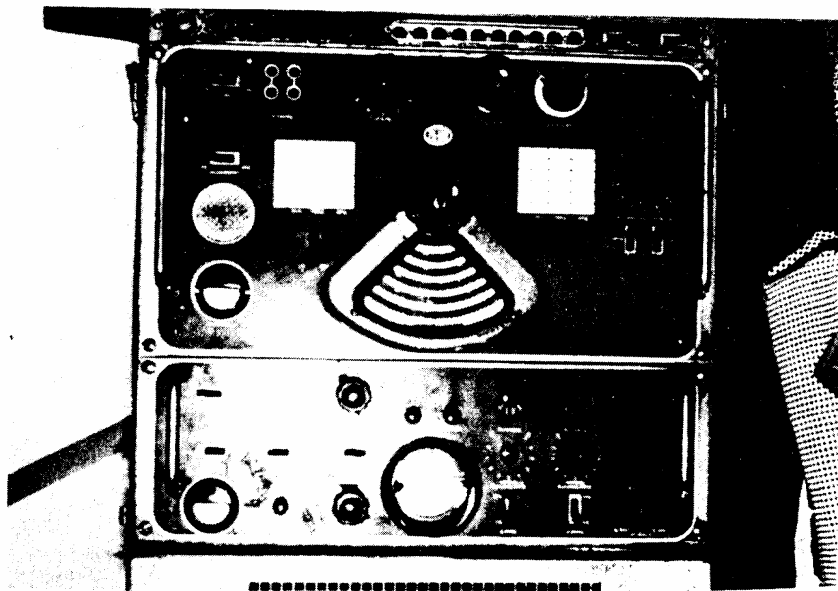
علیرغم تمام این مطالب، بایستی از حق نگذشت، زیرا هنوز هم مطبوعات فریاد حیات زندگی است. صوتی است که از پیکر جاننداری بلند می‌شود، نبضی است که می‌زند و گواهی است که هنوز قلب کار می‌کند، ولی چرا علیرغم این همه آثار مندرج در مطبوعات و جراید، بسیاری از آلام، زخمها و طلسم‌ها همچنان نمک‌آلوده و ناشکسته روی سینه‌های زخمی و نالان مردم تلنبار می‌شود؟ شاید علت مهم آن عدم انتقاد پذیری برخی از مدیران و ضعف پشتوانه‌های اجرایی است. متأسفانه اکنون در بسیاری از موارد با مدیران و مسئولانی برخورد می‌کنیم که کمترین نقد و انتقاد را بر رفتار و عملکردشان تحمل نمی‌کنند. در فرهنگ و نظام تربیتی اسلام، مؤمن آینه مؤمن است و از سوی دیگر، دل مطبوعات برای نظام اسلامی، مقدسات و ارزش‌ها می‌تپد و بیش از هر چیز قداست، آبرو و اعتبار نظام اسلامی و دستاورد خون شهیدان برایشان مهم است.

دیدیم، این دستگاه یک رادیوی لامپی بسیار قوی است و شخصی در کنار آن می‌نشسته، اخبار را یادداشت می‌نموده و آنگاه این اخبار ترجمه و چاپ می‌شده است. (عکس ۱ و ۲)

دیدن حروف سریبی و دستگاه چاپ دستی، حتی برای ما که خود اهل چاپ و مجله هستیم، جالب بود. اما در این بین، طرفداران پروپا قرص این دستگاه، دانش‌آموزانی بودند که همراه والدین یا مربیان خود، برای بازدید از

توی این افکار غوطه‌ور بودم که ناگهان با صدای بلند دوستم به خود آمدم. بعد از نوشیدن یک استکان چای سنتی، راه افتادیم که بسراغ دومین جشنواره مطبوعات برویم.

به سالن مبنا (محل اصلی جشنواره مطبوعات) رسیدیم. فهرست راهنمایی از مسئول اطلاعات سالن گرفتیم و با یک جمع ساده توانستیم بفهمیم که حدود ۲۲۰ (البته بعد اعداد ۲۵۰ و ۲۷۰ را هم شنیدیم و خواندیم) روزنامه، ماهنامه، فصلنامه و ... در این



عکس ۱ - اولین دستگاه شنود در روزنامه اطلاعات

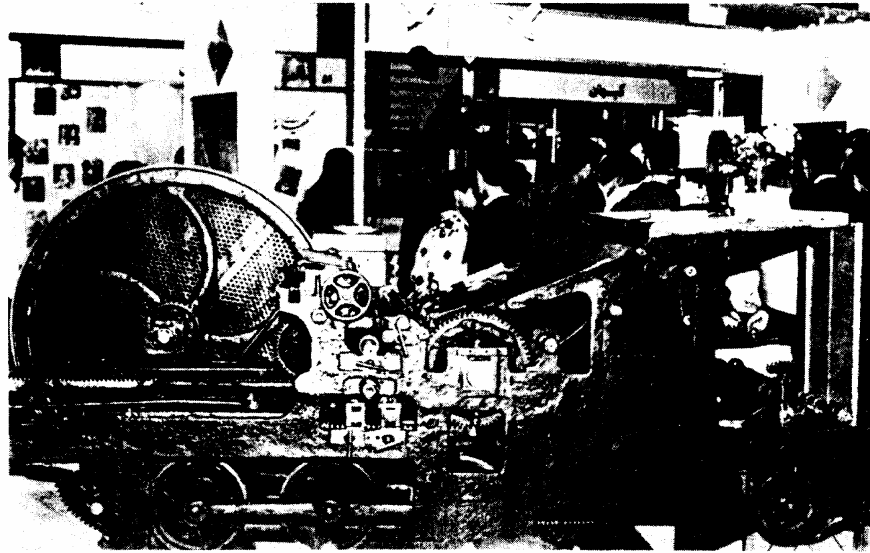
جشنواره آمده بودند.

در کنار این همه، سیستم جدید صفحه‌بندی کامپیوتری «اطلاعات بین‌المللی» نیز به نمایش گذاشته شده بود که مسئول آن توضیحات مبسوطی در این زمینه ارائه کردند و

جشنواره شرکت داشتند.

غرفه روزنامه اطلاعات درست جلوی درب ورودی بود. بنابراین وارد آن شدیم. ابتدا چشممان به اولین دستگاه چاپ در روزنامه اطلاعات افتاد و بعد هم اولین دستگاه شنود را

ما توانستیم عملاً مراحل صفحه‌بندی را به نزدیک غرفه همشهری رسیدیم. در



عکس ۲ - اولین دستگاه چاپ در روزنامه اطلاعات

کنار غرفه همشهری یک دستگاه دریافت روزنامه وجود داشت و افراد زیادی با انداختن سکه ۵۰ ریالی به درون دستگاه، یک روزنامه همشهری دریافت می‌کردند (شهرداری اینجا هم پول می‌گرفت!!!). البته در این دستگاه محلی برای کارت اعتباری نیز تعبیه شده بود و مسئول دستگاه با یک کارت نمونه، دریافت روزنامه با این کارت را نیز به ما نشان داد. همشهری سال با قیمت بسیار مناسب در این غرفه به نمایش گذاشته شده بود (ولی با این وجود بنده با یک حساب ساده فهمیدم که برای خرید همشهری سال اول، دوم و سوم بایستی نصف حقوق خود را بپردازم و بنابراین از خیرش گذشتم).

مشاهده کنیم. بعد سراغ غرفه کیهان رفتیم. مجلات مختلف کیهان (روزنامه کیهان، کیهان فرهنگی، ورزشی، هوایی و...) همه در کنار هم تشکیل غرفه‌ای بزرگ اما جدا از هم را داده بود و در تمام غرفه‌ها مقالاتی یا صفحه اول بعضی شماره‌ها به دیوار چسبیده شده بود و حق ورود به غرفه وجود نداشت. به همین دلیل وقت چندانی صرف آن نکردیم و به غرفه رسالت وارد شدیم تا عکس‌هایی را که اخیراً از جنگ داخلی افغانستان گرفته شده بود، تماشا کنیم. این عکس‌ها جنگ را از روی اثر گلوله‌های بیشمار بر یک خانه، تیرچوبی برق و ... روایت می‌کردند. بعد از آن به غرفه ابرار و سلام رفتیم و سپس

آنگاه به غرفه ایران که بتازگی به جمع روزنامه‌های ایران پیوسته است، رفتیم. در روی دیوار غرفه با ماکتی بزرگ روبرو شدیم. این ماکت لحظه وقوع خبر و اعزام خبرنگار و عکاس را در مرحله آغازین به تصویر کشیده است. وقتی که خبر به تحریریه روزنامه می‌رسد، پردازش شده و پس از آن حروفچینی و صفحه‌بندی می‌گردد و در مرحله بعدی چاپ، انتشار، بسته‌بندی و سپس توزیع را نشان می‌دهد.

بعد از خروج از غرفه ایران، ضمن رفتن به سراغ غرفه‌هایی که از قبل مشخص نموده بودیم، نیم نگاهی به سایر غرفه‌ها نیز داشتیم. در غرفه امید انقلاب، جزوه کوچکی بنام «نازک اندیشی‌های یک بسیجی» را دستانمان دادند. جملات جالب زیادی در این جزوه به چشم می‌خورد، مثل:

- گل‌های بسیجی آب زمزم خورده‌اند.
- یاد مرگ، نجات غریقی است که مردگان زندگی را احیاء می‌کند.
- مرگ یک هشدار دائم الهی: «لطفاً زندگی زده نشوید!»
- روزنامه نویس خودخواه پیش از مرگ بالای ستون روزنامه را برای خودش رزرو کرد.
- صدام حسین، «عاشورا» را به یزید «تبریک» گفت.
- ماه شب چهارده گفت: «امشب بسیجی شده‌ام.»

در غرفه IRAN NEWS، سیستم ارسال روزنامه بطریقه کامپیوتری را دیدیم و مسئول آن شرایط لازم و نحوه اشتراک آن را برای ما توضیح داد. در ضمن فهمیدیم که IRAN NEWS علاوه بر روزنامه‌های انگلیسی صبح، یک هفته نامه آلمانی نیز چاپ می‌کند.



از طبقه همکف به سوی طبقه اول می‌رویم تا در غرفه رازی حضور یابیم. بایستی گفت که دیگر غرفه‌های زیادی برای دیدن نمانده است. در غرفه رازی با یکی از نویسندگان هیئت تحریریه روبرو می‌شویم که در پشت غرفه نشسته است و به مراجعین توضیحات لازم را ارائه می‌کند. شاید معدودی از نشریات دست به چنین عملی زده‌اند یعنی افرادی در غرفه هستند که می‌توانند به پرسش‌ها و ابهام

- اجرایی و هیأت تحریریه نشریات مذکور را عرضه دارند.

هنگامی که در غرفه رازی نشسته بودیم، یک روزنامه «کاغذ اخبار» به دستمان دادند. این روزنامه زیر نظر ستاد برگزاری دومین جشنواره مطبوعات چاپ می‌شود، به همین دلیل بسرعت تمام مطالب آن را از نظر گذراندم. مقاله‌ای تحت عنوان «کنکاش در مطبوعات



خوانندگانشان پاسخ دهند. زیرا افراد بی‌اطلاع هیچگاه نخواهند توانست به بازدیدکنندگانی که بیشتر اهل قلم و صاحب نظر هستند، اطلاعاتی شامل اهداف، اصول، محورهای کاری و احوال فعلی نشریه، مشخصات، شرح مندرجات، اطلاعاتی از دست‌اندرکاران اداری

غرب» نظرم را جلب کرد. نگاه سریعی بر آن انداختم و با همان نگاه دریافتم که اصلاً خودتان قضاوت کنید بهتر است، در قسمتی از این مقاله چنین آمده:

«... نشریات علمی با وجود خط مشی به ظاهر علمی آنها، نمی‌توانند دور از سیاست حاکم عمل نمایند. اکتشافات و اختراعات در چارچوب‌های شدید امنیتی اجازه درج می‌یابند و گاه اجازه چاپ و نشر مطالبی بصورت کامل به این نشریات داده نمی‌شود. بعنوان مثال، پس از کشف داروی کیست کبیدی، نشریه دانشگاهی بوستون - واحد داروسازی و آزمایشگاهی این دانشگاه - تنها نیمی از فرمول را در بولتن خود چاپ نمود و نیم دیگر را به مزایده شرکتهای داروسازی خصوصی گذاشت!...» (۱)

فکر می‌کنم ذکر مطلب زیادی برای این موضوع لازم نیست، اما اگر نفهمیدید که چگونه می‌شود نیم یک فرمول دارویی را چاپ نکرد و در مورد نیم دیگر آن توضیح داد و مثلاً مکانیسم عمل دارو را بصورت نصفه بیان کرد یا فقط عوارض جانبی آن نصفه را شرح داد و یا و یا و ... دیگر به ما ربطی ندارد!!! لحظه‌ای اندیشیدن به اینکه چنین استاد برگزاری قرار بود مقالات منتخب را برای هیئت داوران بفرستد، مو بر تن آدمی راست می‌کند.

بعد از نوشیدن یک فنجان چای در غرفه رازی به دیدار غرفه‌های گشتک، شفا و برگ سبز شتافتیم. وقت چندی هم صرف دیدار مجله صنایع بهداشتی و آرایشی نمودیم. در اینجا دیگر کنگیرمان به ته دیگ خورده بود، زیرا تنها ۴ مجله در زمینه مسائل پزشکی (رازی، گشتک، شفا و برگ سبز) وجود داشت.

دیگر هرچه گشتیم، کمتر یافتیم. از نبض، مجله نظام پزشکی و ... خبری نبود، البته بعداً فهمیدیم که برای تک تک این مجلات نامه‌ای فرستاده‌اند که چرا شرکت نکرده‌اند، شاید بهتر بود مسئولان برگزاری نمایشگاه این سؤال را از خود می‌کردند. در اولین جشنواره مطبوعات، یک مجله تک نفره (یعنی تمام مقالات متعلق به یک شخص خاص) و آنهم بعد از دو سال چاپ نشدن بعنوان بهترین انتخاب شد. در دومین جشنواره مطبوعات هم وقتی اسامی برگزیدگان نهایی اعلام شد. در بخش مقاله علمی - تخصصی نام سه مجله به چشم می‌خورد: آینه پژوهش، شعر و اطلاعات. که بغیر از اولی آن دوتای دیگر مجلات کاملاً علمی - تخصصی با مفهومی که ما می‌شناسیم، هستند!!!

در سر راه برای خروج از نمایشگاه مطبوعات، چشممان به غرفه «گل آقا» افتاد و یادمان آمد که هنوز این غرفه را زیارت نکرده‌ایم به همین دلیل نزدیک غرفه رفتیم تا ببینیم که این بار نیز گل آقا، «پنبه مسئولان» را زده است یا نه؟ و دیدیم که گل آقا معتقد شده است که «حق نشاید گفت جز زیر لحاف!» و خلاصه اینکه حضور عصا در این غرفه می‌گفت که بایستی دست به عصا راه رفت.

پس از دیدار این غرفه، راهی «نمایشگاه تکنولوژی ارتباطات» شدیم. در این محل ترسیمی از آینده مطبوعات بشرح ذیل بود:
- به نمایش گذاشتن ویدئو کنفرانس برای برگزاری و انجام مصاحبه از راه دور

- نصب ماهواره‌های کوچک موسوم به VSAI با امکان ارتباطی فاکس و تلکس به منظور مخابره و دریافت خبر

- نصب سیستم‌های جدید تلکس و ارتباط با آن تلکس‌های خبرگزاری‌های جهان

- نصب سیستم و مرکز اطلاع رسانی DATA به عنوان شبکه اطلاع رسانی در کشور با امتیاز برخورداری از قابلیت ارتباط با شبکه اینترنت و مینی‌تل.

- برقراری سیستم فاکس اعم از داخلی یا بین‌المللی و پدیده جدید پست تصویری بین‌المللی

- سیستم پست الکترونیک

- نشر کامپیوتری مطبوعات

یکی از جذابترین و پر جنب و جوش‌ترین غرفه‌های مربوط به نمایشگاه‌های جنبی، جشنواره مطبوعات، غرفه روزنامه دیواری دانش‌آموزان بود. این غرفه که با استفاده از کاغذهای رنگی مناسب تزئین شده بود با در اختیار گذاشتن کاغذ سفید و ماژیک باعث می‌گشت تا کودکان بسیاری در غرفه حضور یافته و با حوصله و شادی کودکانه نقاشی بکشند. از سوی دیگر دست اندرکاران این غرفه با برگزاری یک مسابقه تصویری (عکسی از تصویر یک رزمنده در میدان نبرد) به آن حال و هوای دیگر بخشیده بودند.

نتیجه:

در نگاهی کلی به نظر می‌آید که جراید شرکت کننده در جشنواره، در معرفی خود به منظور جذب خوانندگان بیشتر و تشخیص و

گزینش همکاران جدید، فاقد برنامه‌ای خاص بودند. عده‌ای کثیر از متصدیان غرفه‌ها فاقد اطلاعات لازم از جرایدی بودند که بعنوان پاسخگوی آنها در مقابل بازدیدکنندگان نمایشگاه حضور یافته‌اند.

غرفه‌های اطلاعات، همشهری، جراید سینمایی، کامپیوتر و گل آقا با ازدحام مضاعفی روبرو بودند که قابل بحث و تأمل است.

بخش کودکان و نوجوانان جشنواره از فعالیت و به تبع استقبال چشمگیری برخوردار بود. و در پایان بایستی ذکر کرد وجود نشریات علمی پزشکی بسیار قلیل می‌نمود که آن هم بدلیل بی‌مهری هیئت داوران جشنواره بود و با به پایان رسیدن جشنواره دوم شاید بتوان نتیجه‌گیری کرد که این مطبوعات در جشنواره سوم باز هم تقلیل یابند!

منبع:

۱- وفایی، ز؛ کنکاشی در مطبوعات غرب؛ کاغذ اخبار؛ شماره ۶؛ ص ۶ و ۷؛ ۱۳۷۴.